

بررسی ویژگی‌های تن پوش‌ها در سفرنامه‌ها و نگاره‌های مکتب اصفهان

*
منصور ولی قوجقی

*
دکتر حسین مهرپویا

چکیده: مسافران اروپایی متشکل از سیاحان، سفیران، مبلغان مذهبی و غیره در مدت اقامت در ایران با یادداشت وقایع آن روزها در قالب سفرنامه، بخشی از تاریخ مکتوب دولت صفویه را رقم زدند. مطالعات این سفرنامه‌ها بازگو کننده تاریخ و فرهنگ عصر صفویه از جنبه‌های مختلف از دید آنهاست. در این میان بررسی تن پوش‌های مردمان صفویه در سفرنامه‌ها و میزان تطابق آن با نگاره‌های صفویه و بخصوص مکتب اصفهان مسأله اصلی این پژوهش است. برای بررسی این مسأله و فرضیه‌های مبتنی بر آن، مهم‌ترین سفرنامه‌های نوشته شده در این دوره مورد مطالعه قرار گرفته و با نگاره‌های مکتب اصفهان تطبیق داده شده است. همچنین بر حسب نیاز، سیرتحول تن پوش‌ها نیز مورد بررسی واقع شده و مقایسه‌ای بین تن پوش‌های اوایل و اواخر صفویه صورت گرفته است. همان‌طور که می‌دانیم نگارگری دوره صفویه به دلیل تأثیرپذیری از شرایط و اوضاع سیاسی-اجتماعی و فرهنگی آن دوره متفاوت از نگارگری دوره قبل و بعد از خود می‌باشد، لذا این تأثیرپذیری‌ها می‌توانسته به دلیل رضایت مندی حاکمان و سفارش دهندگان و حامیان هنر، عموماً در تصاویر شخصیت‌های نگاره‌ها و نوع پوشش آنها انعکاس یافته باشد. در بررسی‌های انجام گرفته، مشخص گردید که مطالب سفرنامه‌های اروپاییان در این دوره می‌تواند به عنوان یک منبع مکتوب و قابل استناد در بررسی‌های پوشاک دوره صفویه مورد توجه قرار گیرد و به ویژه با همراهی نگاره‌های این دوره اسنادی معتبر به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: مکتب نگارگری اصفهان، سفرنامه‌ها، نگاره‌ها، تن پوش‌ها

◆ مقدمه

در این مقاله علاوه بر انطباق نوشته‌ها و تصاویر موجود در سفرنامه‌ها با نگاره‌ها بررسی اجمالی سیر تحول و مقایسه تن پوش‌های اوایل و اواخر صفویه پرداخته شده است. به دلیل تنوع تن پوش‌های مردان و زنان صفویه در این مقاله ما فقط به چند مورد اشاره خواهیم کرد. این تحقیق از نوع نظری می‌باشد و از روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی استفاده گردیده و اطلاعات مربوط به این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده آثار نگارگران دوره صفویه انجام شده است. ما در این روش ابتدا سفرنامه‌های دوره صفویه که در آنها به تن پوش‌های صفویه اشاره شده را مورد مطالعه قرار داده و مطالب سفرنامه‌ها را به همراه تصاویر موجود در آنها با نگاره‌های دوره صفویه تطبیق داده تا صحت و سقم آنها بررسی شود.

پوشاک مردم ایران در هر دوره متأثر از عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، مذهب، سنت‌های مردم شهرها و شرایط محیطی بوده است. در عصر صفویه به دلیل رفت و آمدهای گروه‌های مختلف هیأت‌های سیاسی و اقتصادی خارجی به ایران موجب گردید که تعداد بسیاری سفرنامه و گزارش‌های سفر، توسط این گروه‌ها نوشته و به یادگار بماند. از جمله دیگر منابع تحولات پوشاک در ایران دوره صفویه می‌توان به نگاره‌ها و نقاشی‌های باقیمانده از این دوره که به شدت تحت تأثیر فرهنگ و سنن هر دوره تاریخی نقش گردیده‌اند اشاره کرد، که می‌توانند مکمل مناسبی برای دستیابی به آداب و سنن پوشاک مردم در کنار گزارش‌های سفرنامه نویسان باشند.

هدف پژوهش پیش رو پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد. آیا نوشته‌های موجود در سفرنامه‌های صفویه در مورد پوشش مردان و زنان این دوره با نگاره‌های صفویه، به ویژه مکتب اصفهان تطبیق دارد یا خیر؟ آیا براساس اطلاعات سفرنامه‌ها و نگاره‌های موجود از دوره صفویه می‌توان سیر تحول پوشاک این دوره را بررسی کرد؟

◆ علل حضور اروپاییان در دوران صفویه

تغییر و تحول در اوضاع اقتصادی اروپا و رقابت پادشاهان اروپایی برای یافتن متحدی بر علیه دشمن اصلی خود یعنی امپراتوری عثمانی، سبب توجه اروپائیان به ایران شد. در داخل ایران نیز حکومت مقتدر صفویه با

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پژوهش هنر mansourghojogh@yahoo.com

** دکترای تاریخ هنر، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان. hm_pouya@yahoo.eoj

وی بدون مانع و به سرعت صورت گرفت دوم آنکه در مسیر راه با هیچ دشواری روبرو نشد. (کاتف، ۱۸۰۲۵۳۶) با توجه به اینکه هدف کاتف کسب و تجارت بوده، سفرنامه مختصر او حاوی نکاتی درباره اقتصاد ایران در عصر صفوی و کشاورزی، آب و هوا و نیز محصولات و کالاهای بازرگانی ایران است و از سوی دیگر در مورد فرهنگ و آداب و عادات ایرانی، سنن و مذاهب، مردم شناسی، پوشاک، جشن‌ها و سوگ‌ها سخن گفته است. (دانش پژوه، ۱۳۸۵، ۱۳۷) ژان باتیست تاورنیه^۴ سیاح مشهور فرانسوی در سفرهای خود به مشرق بیش از نه بار ایران را دیده است. اولین سفر وی در دوره سلطنت شاه صفی بود و سفرهای دیگرش در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان انجام گرفت. (همان، ۱۵۳، ۱۵۵) آدام اولناریوس^۵ آلمانی با سمت منشی هیأت سفرای اعزامی از سوی فردریش سوم به دربار شاه صفی اعزام شد. وی شرح دقیقی از اوضاع جغرافیایی، ویژگی‌های شهرهایی که از آنها دیدن کرده، آداب و رسوم مختلف ایرانیان و ... بیان کرده و در واقع می‌توان گفت که این سفرنامه یک «جامعه شناسی تاریخی» بسیار ارزشمند است. (نویسی و غفاری فرد، ۱۹۰، ۱۳۸۱) جان شاردن^۶ سیاح فرانسوی در اصفهان، زمان سلطنت شاه عباس دوم زمانی طولانی زندگی کرد و شاه به او لقب (تاجرباشی) داد. شاردن شش سال در اصفهان ماند. در سال ۱۶۷۰م. به پاریس مراجعه کرد و مجدداً با محموله‌های گرانبهایی از جواهرات به اصفهان آمد و سه سال در آنجا ماند. (شاردن، ۵، ۱۳۶۲) اقامت ممتد او در ایران موجب شد که زبان فارسی را به خوبی فرا گیرد. سفرنامه هیچ یک از سیاحان خارجی، جامعیت سفرنامه شاردن را ندارد چون شاردن به سبب سالیان متوالی اقامت در ایران بیش از هر سیاح دیگر با مردم طبقات مختلف ایران معاشرت و تماس داشته است. (دانش پژوه، ۱۳۸۵، ۲۱۷) سانسون^۷ مبلغ مسیحی در زمان شاه سلیمان برای ترویج دین مسیح به ایران آمد و سال‌های متمادی در این کشور اقامت گزید. (نویسی و غفاری فرد، ۲۰، ۱۳۸۱) وی مشاهدات خود را که حاصل تماس او با همه طبقات از دربار و حکومت تا مردم عادی است به رشته تحریر در آورده است. او چون سال‌ها در ایران اقامت داشته، زبان فارسی را آموخته و در نتیجه بهتر توانسته است با مردم ایران ارتباط برقرار کند. (دانش پژوه، ۱۳۸۵، ۲۷۳) جیووانی فرانچسکو جملی کاری^۸ سیاح ایتالیایی در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران آمده، در مراسم تاجگذاری شاه سلطان حسین شرکت کرد و آنچه را که دیده و شنیده، چون نقاشی چیره دست به روی کاغذ آورده است. (کاری، ۷، ۱۳۸۳)

رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع، دشمنی بین خود با امپراتوری عثمانی را تشدید کرده بود. از سویی در برهه‌ای از زمان، تسامح دینی (رفتار بدون تعصب) صفویان نسبت به مسیحیان باعث گسترش رفت و آمد هیأت‌های تجاری و سیاسی اروپا به ایران شد. هیأت‌های اروپایی که به علل مختلفی به ایران سفر می‌کردند متشکل از اقشار و صنف‌های مختلف اجتماعی بودند از جمله:

گروهی تجار که برای آنان مسلماً تجارت، گمرک، مخارج سفر، حمل و نقل، کارهای دستی و کالا اهمیت بیشتری داشت. از این رو اعظم گزارش‌های آنان به طور متعدد اطلاعات اقتصادی را در برمی‌گیرد.

گروه دیگر، نجبا و دانشمندانی بودند که به خاطر ماجراجویی، تفریح و یا تحقیق به شرق مسافرت می‌کردند. اروپا اغلب گزارش‌های مربوط به جغرافیا، علوم طبیعی، تاریخ هنر و همچنین اوصاف رسوم و مذاهب، قبایل و زبان ایران در عصر صفوی را مدیون این گروه است. اهمیت هیأت‌های مذهبی را نیز نباید از نظر دور داشت. آثار آنان اغلب رسالات نظری درباره ساخت، اقتصاد، تجارت و مذاهب سرزمین ایران است که میبایستی امکانات برقراری هیأت‌های مذهبی کشورهای اروپایی (در ایران) را گزارش دهد. کشیشان غالباً به علت تسلط به زبان کشور، عالی‌ترین شناخت را داشتند، زیرا به عنوان مترجم به دربار وارد می‌شدند و تعداد نه چندان کمی از آنان سراسر زندگی خود را در ایران گذرانیدند. (شوستر والس، ۸، ۱۳۶۴)

◆ معرفی سیاحان و سفرنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش

حکومت شاه عباس کبیر را می‌توان مهد آزادی اندیشه‌ها و تبادل افکار دانست. در این دوره به دنبال گسترش روابط با ممالک غربی، سفرا و فرستادگان بیشتری به ایران راه یافتند. دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا^۱ سفیر اسپانیا در سال‌های ۱۶۱۶-۱۶۱۴م. در اصفهان بوده و علاوه بر ثبت زندگی مردم و درباریان، گزارش دقیقی از نبرد شاه عباس با پرتغالی‌ها آورده است. پیتر دلاواله^۲ جهانگرد مشهور که در همین دوره ۱۶۱۷م. از کشور ایتالیا در ایران مأمور شده بود، همواره در معیت شاه عباس به سر میبرد و نکات قابل توجهی از زندگی مردم را ذکر کرده است. (نقوی، ۱۳۹۱، ۴۰۳) در سال ۱۶۲۳م. فدت آفاناس یویچ کاتف^۳ به عنوان تاجری که اجناس تزاری را داد و ستد می‌کند، با کالاهای دولتی روسیه از طریق استرخان (در زمان سلطنت شاه عباس اول) راهی ایران شد. کاتف امتیازات زیادی داشت. نخست آنکه حمل و نقل کالای

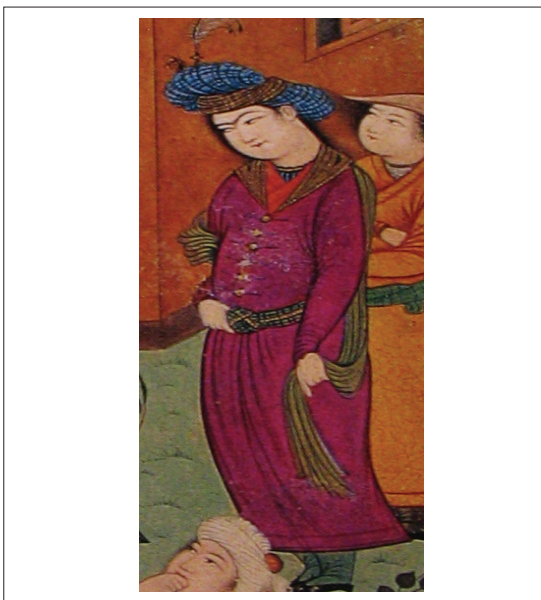
روی این کلاه پارچه ای طویل و بسیار ظریف می‌بندند که چند بار دور آن می‌گردد و به شکل عمامه‌ای بسیار مطبوع در می‌آید و انتهای دوازده ترک کلاه از آن بیرون می‌ماند. بعضی اوقات جز میله چوبی پیدا نیست زیرا پارچه بقایای کلاه را می‌پوشاند. (فیگوروا، ۱۳۶۳، ۲۶۸)

ب) دستار

سربند یا دستار ایرانی‌ها از نوعی پارچه ابریشمی ظریف زری و ملیله است که شکل کدوی بزرگ و مدور ما را دارد. (تصاویر ۲ و ۳) بالای آن اندکی مسطح است و در آنجا به پارچه‌های از زری و ملیله به صورت نوعی دسته گل منتهی می‌شود. (تاورنیه، ۱۳۸۳، ۲۹۳) دستار ایرانی عمامه‌ای است از حریر زریفت یا گلدوزی شده و معمولاً جهت زیبایی به جلوی آن پر یا چیزی شبیه بادبزن نصب می‌کنند. (کاری، ۱۳۸۳، ۱۵۹)



■ تصویر ۲: دستار ایرانی (شریعت پناهی، ۱۳۷۲، ۶۰)



■ تصویر ۳: دستار ایرانی، بخشی از نگاره تیمور در حال تماشای مورچه (سودآور، ۱۳۸۰، ۲۷۵)

◆ تطبیق نوشته‌ها و تصاویر سفرنامه‌ها در مورد تن پوش‌ها با نگاره‌ها پوشش سر

تحول چشمگیری که در پوشش سر در دوره صفویه به وجود آمده، این دوره را از دوره‌های قبل و بعد از خود متمایز می‌سازد و می‌توان گفت که این نوع پوشش سر (تاج قزلباش) به طور کلی حکومت صفویه را تداعی می‌کند. پوشش سر را بطور کلی می‌توان به تاج قزلباش، دستار، کلاه پوستی و کلاه فرنگی تقسیم کرد.

الف) تاج قزلباش

کلاه (تاج) قزلباش از نوعی ماهوت کلفت قرمز رنگ با آستر پنبه‌ای ساخته شده‌اند. بطوریکه می‌توانند در برابر ضربه شمشیرهای دو دم قدیمی - هرچه هم قوی باشند - تاب آورند. دهانه این کلاه‌ها چنان تنگ است که آنها را با فشار بر سر می‌گذارند، اما پس از آنکه سر در آن فرو رفت کم‌کم تا ته گشاد می‌شوند. طول آنها بقدر یک نیمه پا است و در بالا مدور و دارای چند چین خوردگی است. چین خوردگی‌ها یا ترک‌های این کلاه نباید از دوازده کمتر یا بیشتر باشد و این نشانه مذهب صوفیان است، که شیخ حیدر اردبیلی مروج آن است. در مرکز سطح فوقانی این کلاه‌ها که همه ترک‌ها بدانجا منتهی می‌شوند میله چوبی محکم و کوچکی استوار گردیده است، به بلندی چهار و پهنای یک انگشت که قسمت بالایش مانند خود کلاه صاف است. در حول این میله چوبی از پایین تا بالا دوازده ترک هست که در مرکز سطح فوقانی میله به یکدیگر می‌پیوندند. چنانکه این دوازده ترک را بوضوح می‌توان دید. ترک‌های موجود در میله چوبی با دوازده ترک خود کلاه مرتبطند. این چوب نیز مانند بقایای کلاه سرخ رنگ است. (تصویر ۱)



■ تصویر ۱: اشخاصی با تاج قزلباش (رجبی، ۱۳۹۰، ۱۰۶)



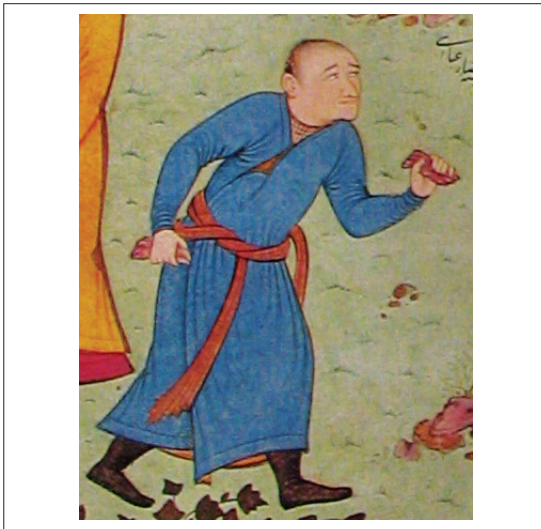
تصویر ۵: قبا‌ی مردان صفوی (سیوری، ۲۷، ۱۳۷۲)

ج) کلاه پوستی

اولتاریوس در مورد کلاه پوستی در سفرنامه خود می‌نویسد: «جمعی از ایرانی‌ها که از طبقات اشراف و اعیان هستند، بجای مندیل (عمامهٔ اوایل دورهٔ صفویه) و دستار، کلاه‌هایی از پوست بخارا (کلاه پوستی) بر سر می‌گذارند، این پوست‌ها مانند ابریشم نرم و ظریف و در عین حال گرانبها هستند» (اولتاریوس، ۱۳۶۹، ۶۴۱).

د) کلاه فرنگی

با آغاز کار فرنگی‌سازی در اواخر دورهٔ صفویه، جامه‌های اروپایی از جمله کلاه فرنگی (تصویر ۴) در نگاره‌هایی که توسط نگارگران ایرانی اجرا می‌شد به تصویر درآمد.

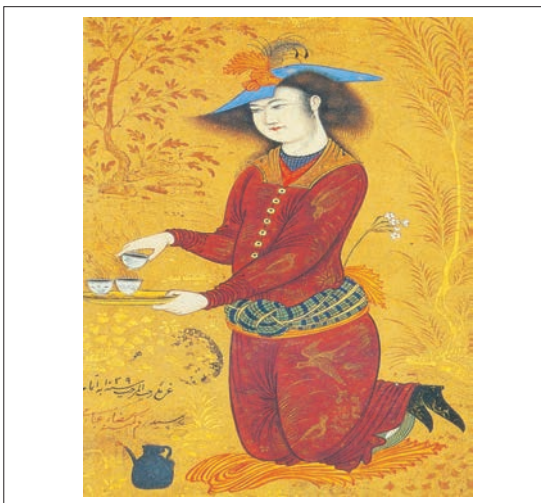


تصویر ۶: بخشی از نگاره فرستادن پول، رضا عباسی، قبا با شال کمر بسته شده (سودآور، ۲۷۴، ۱۳۸۰)



تصویر ۴: فرنگی به سگی شراب می‌نوشاند، اثر رضا عباسی (بنی اردلان، ۱۳۸۷، ۲۴۰)

دیگری قبا‌یی جلو باز که با دکمه‌هایی در جلو سینه از بالا تا پایین بسته می‌شود. (تصاویر ۷ و ۸)



تصویر ۷: ساقی، اثر رضا عباسی، (رجبی، ۱۳۹۰، ۴۶۵)

الف) قبا‌ی مردان و زنان صفویه

تاورنیه در سفرنامه خود قبا را اینگونه توصیف کرده است: «آستین‌های قبا بلند است و از بازو به پایین تنگ می‌شود و روی میج‌ها می‌چسبند. همچنین این قبا تا کمر تنگ و از کمر به پایین گشاد می‌شود. یک طرفش با نوارهایی از همان پارچه به زیر بغل وصل می‌شود و طرف دیگر از روی آن می‌گذرد و زیر بغل راست بسته می‌شود. (تاورنیه، ۱۳۸۳، ۹۲) لازم به ذکر است قبا‌ی زنان نیز تا حدود زیادی شبیه قبا‌ی مردان است. با توجه به توصیفات و تصاویر قبا در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها متوجه می‌شویم که چند طرح قبا وجود دارد؛ یکی قبا‌ی جلو باز که بالاتنه در روی سینه از روی شانه چپ به زیر بغل راست رفته و در پهلو با بندینک یا شالی بسته شده است (تصاویر ۵ و ۶)

در بسیاری از مینیاتورها (تصویر ۱۱) و حتی در تصویری که شاردن ارائه کرده است (تصویر ۱۲) ملاحظه می‌کنیم که پایین دامن قباها را در شال کمر یا کمر بند فرو برده‌اند و فرم جالبی ایجاد کرده است؛ این مسأله به ویژه در مورد خدمتکاران بیشتر مشاهده می‌شود.



تصویر ۱۱: فرم جالب قباهای بسته شده به شال کمر (کری و لیش، ۱۳۸۴، ۷۴)



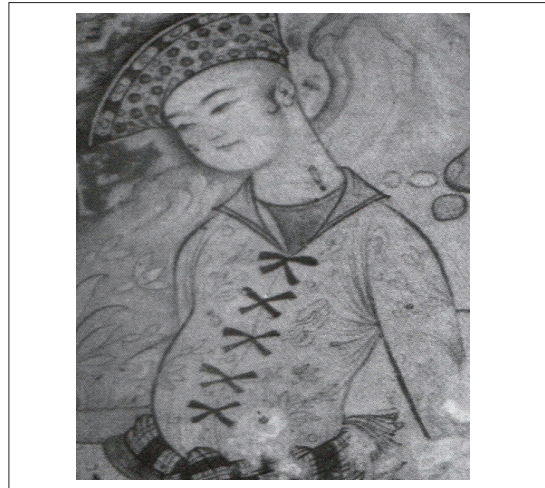
تصویر ۱۲: فرم جالب قباهای بسته شده به شال کمر (شاردن، ۱۳۷۴، ۸۰۰)

برای نخستین بار در زمان شاه عباس قباي بلند جای خود را به نیم تنه کوتاه چین دار یا کمر چین دار که غالباً با پوست لیه دوزی می‌شد داد. (گری، ۱۳۵۵، ۱۷۲) با نگاهی گذرا به نگاره‌های اواخر صفویه مشخص می‌شود که قبا به تقلید از لباس اروپاییان بسیار کوتاه‌تر شده بود. (تصویر ۱۳) بخصوص در زمان شاه عباس اول کمر چینی که تا بالای زانو می‌رسید و روی آن کمر بند یا شالی می‌بستند بعضی جاها در نگارگری‌ها جای قبا را گرفته است.



تصویر ۸: جوان پابره‌نه، اثر رضا عباسی (کن بای، ۱۳۸۴، ۱۳۵)

و در یک نوع دیگر جلوی قبا به جای دکمه با بندهای به یکدیگر وصل می‌گردد. (تصاویر ۹ و ۱۰)



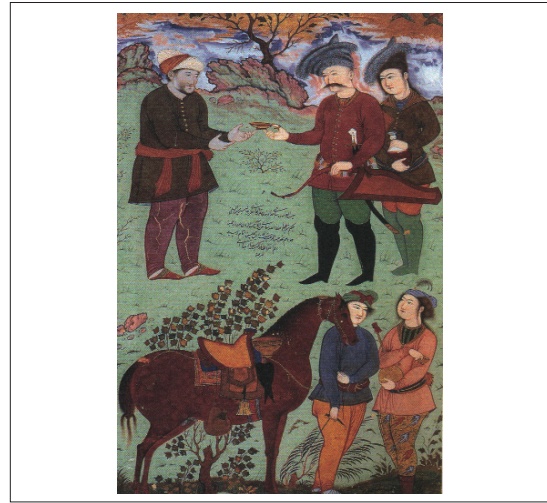
تصویر ۹: جوانی با قباي بنددار، بخشی از یک نگاره، اثر محمد قاسم (جوانی، ۱۳۸۶، ۲۰۹)



تصویر ۱۰: فرد قزلباش با قباي بنددار، (تاورنیه، ۱۳۸۲، ۲۵۴)



■ تصویر ۱۵: بخشی از نگاره شاهقلی خان سندی را مهر می‌کند. اثر محمد زمان (اژند، ۱۳۸۶، ۶۹۹)



■ تصویر ۱۳: شاه عباس و خان عالم (اژند، ۱۳۸۹، ۴۹۲)

ج) تن پوش کردی

اولثاریوس در مورد تن پوش کردی در سفرنامه خود می‌نویسد: «روی قبا اعیان و رجال و از جمله خود شاه یک کت کوتاه می‌پوشند که آن را «کردی» می‌نامند. این کت که تا زیر کمر آنها می‌رسد بدون آستین است (تصاویر ۱۷ و ۱۶) در جلو زائده‌هایی از پوست دارد که آن را تزیین می‌کند.» (اولثاریوس، ۱۳۶۹، ۶۴۲، ۶۴۳)



■ تصویر ۱۶: یک مرد قزلباش با نیم تنه آستین کوتاه (سانسون، ۱۳۷۷، ۲۵)



■ تصویر ۱۷: شخصی با تن پوش کردی. محمد زمان (اژند، ۱۳۸۹، ۶۹۹)

د) کلیجه زنان

نیم تنه زنان از کلیجه مردان بلندتر است و تقریباً تا مچ پایشان می‌رسد. (شاردن، ۱۳۷۴، ۸۰۵) همان‌طور که در تصویر می‌بینید کلیجه نیم تنه چسبانی بود که با دامن بلندی که داشت، زیر قبا پوشیده می‌شد؛ (تصویر ۱۸ و ۱۹) گاهی بلندی دامن این کلیجه‌ها به اندازه دامن قباها بود. (غیبی، ۱۳۹۱، ۴۳۲)

ب) کاتبی (کادبی)

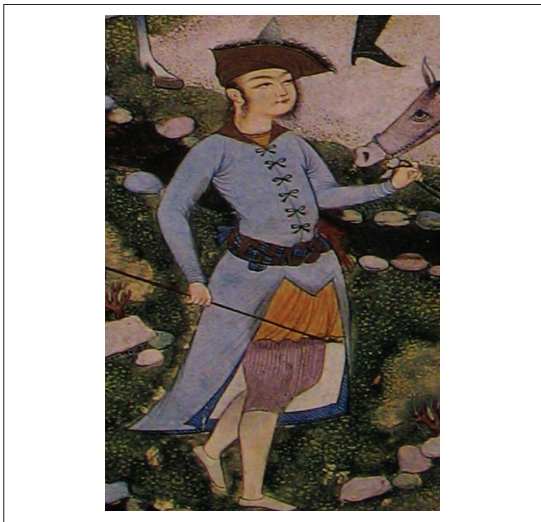
روی قبا نیز چیزی می‌پوشند که بر حسب اقتضای فصل، اگر زمستان باشد لبه دار و با آستین می‌باشد و به آن کادبی می‌گویند. برش این پوشش مانند قباست، یعنی بالایش تنگ و پایش فراخ است و آن را از ماهوت یا اطلس ضخیم زرتار می‌دوزند و با یراق یا توری مزین می‌کنند یا با قلاب‌دوزی می‌آرایند و دوختشان چنان است که مانند شال گردن تا ناف را می‌پوشاند و از بالا تا پایین یک رشته دکمه، تنها به منظور تزیین به آن می‌دوزند زیرا این دکمه‌ها را به ندرت می‌بندند. (شاردن، ۱۳۷۴، ۸۰۱، ۸۰۲) در (تصویر ۱۴) که از سفرنامه شاردن گرفته شده، مردی را ملاحظه می‌کنید که کاتبی به تن کرده و نمونه آن را در بخشی از نگاره شاهقلی خان سندی را مهر می‌کند. (تصویر ۱۵) بر تن شاهقلی خان مشاهده می‌کنید.



■ تصویر ۱۴: مردی با تن پوش کاتبی (شاردن، ۱۳۷۴، ۸۰۰)



■ تصویر ۲۱: شلوار (کری و لیش، ۱۳۸۴، ۹۴)



■ تصویر ۲۲: بخشی از نگاره دیدار خسرو و شیرین در کوهستان، محمد قاسم (آژند، ۱۳۸۹، ۶۴۱)

ب) پای پوش‌های صفویه

بطور کلی کفش‌های مردان و زنان در دوره صفویه شبیه یکدیگر است. فیگوروا توضیحات جالب توجهی از کفش‌های مردان و زنان دوره شاه عباس اول در سفرنامه خود ذکر می‌کند: «کفش‌های مرد و زن، چرمی و به رنگ‌های مختلف است با جنس بسیار سخت و سفت و رویه‌های کوتاه. بطوریکه همچون کفش سر پایی داخل منزل پوشیده و در آوردن آنها بسیار آسان است. با اینکه غالب کفش‌ها نوک باریک اند و قسمت جلو آنها از عقب بلندتر است، میخ‌های ریز بسیاری به تخت آنها زده شده است». (فیگوروا، ۱۳۶۳، ۱۵۷) و دلاواله نیز می‌افزاید: «رنگ چرم کفش غالباً سبز است، ولی چون جنس این چرم‌ها بسیار سخت است من ترجیح می‌دهم مانند مردم عادی پاپوشی که از ریسمان ظرفی بافته شده بر پا کنم. کفش ایرانی‌ها نیز با ترک‌ها اختلاف دارد، یعنی نوک آن تیز و پاشنه آن نیز نسبتاً بلند است به



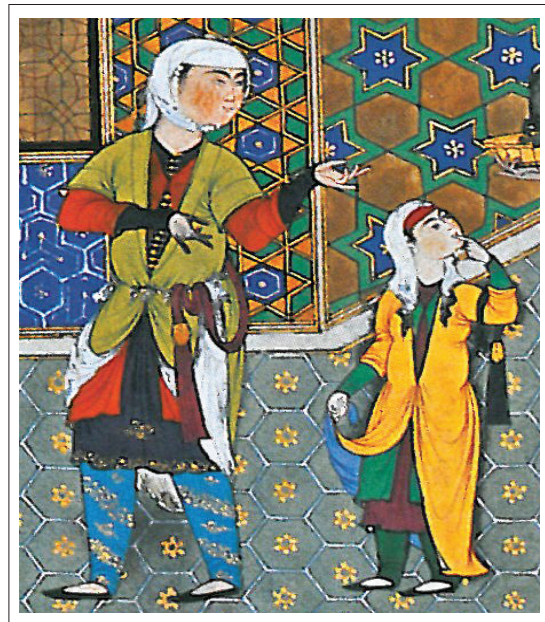
■ تصویر ۱۸: کلیجه زیر قبا، (شاردن، ۱۳۷۴، ۸۰۶)



■ تصویر ۱۹: بخشی از نگاره اسکندر و روشنک و بزم، کلیجه زیر قبا، معین مصور(پوپ، ۱۳۷۹، ۵۱۷)

الف) شلوار مردان و زنان صفوی

کاتف و سانسون در مورد شلوار زنان می‌نویسند: تمام زنان و دختران شلوار به پا می‌کنند. (کاتف، ۲۵۳۶، ۸۴) و زنهای شلواری که به پا می‌کنند (تصویر ۲۰) آنقدر بلند است که تا زیر قوزک پایشان را می‌پوشاند. (سانسون، ۱۳۷۷، ۷۹) شلوارهای مردان از زانو به پائین تنگ شده و تا قوزک پا می‌رسد (تصویر ۲۱) و پاچه‌های آن بوسیله یک قیطان بهم کشیده و بسته می‌شود. (اولناریوس، ۱۳۶۹، ۶۴۳) ایرانیان شلوارهای نازک بسیار بلندی می‌پوشند که تا روی پایشان می‌رسد. (فیگوروا، ۱۳۶۳، ۱۵۷) ولی در زمان شاه عباس اول، طبق اشاره آنتولی شرلی، شلوار زیر زانوی اروپایی در بین مردان رواج یافت (تصویر ۲۲) و خود شاه نیز می‌پوشید. (آژند، ۱۳۸۸، ۵۲)



■ تصویر ۲۰: شلوار زنانه، تولد زال، اثر میر مصور، شاهنامه تهماسبی، (رجبی، ۱۳۹۰، ۲۲۷)



تصویر ۲۳: کفش های راحتی، بخشی از نگاره شاه عباس و خان عالم (آژند، ۴۹۲، ۱۳۸۹)



تصویر ۲۴: نیم چکمه بنددار، چوپان اثر رضا عباسی (کورکیان، ۱۳۷۷، ۱۵۸)

طوری که قد مردان بلندتر به نظر می‌رسد». (دلاواله، ۱۳۷۰، ۱۴۶) و اولثاریوس می‌گوید: «کفش‌های ایرانی‌ها نوک تیز بوده و طوری دوخته شده که به آسانی می‌توان آن را پوشید و کند. زیرا ایرانی‌ها وقتی وارد اتاق می‌شوند، جلوی در کفش‌های خود را کنده و موقع خروج دوباره به پا می‌کنند». (اولثاریوس، ۱۳۶۹، ۶۴۳)

کفش زنان هم متفاوت با کفش مردان نیست. کفش ایرانی‌ها از ساغری و تیماج است و اندکی شبیه کفش راحتی زنان ما با نعلی کوچک در پاشنه آن است، زیرا کفش آنها یک پارچه است و بند ندارد و به پا نمی‌چسبد، زیرا آنها باید پیوسته کفش را از پا در آورند تا روی قالی‌ها راه بروند. این نوع کفش برای آنها خیلی راحت‌تر از کفش‌های ماست که بند دارد و به پا می‌چسبد. (تاوونیه، ۱۳۸۳، ۲۹۹، ۲۹۷)

البته باید در نظر داشت که منظور تاوونیه از اینکه می‌گوید کفش‌های ایرانی‌ها بند ندارد، منظورش احتمالاً کفش‌های راحتی (تصویر ۲۳) است که مردم آن دوره بیشتر به پا می‌کردند. در صورتی که ما در دوره صفویه کفش‌های بنددار، بخصوص از نوع نیم چکمه (تصویر ۲۴) داشتیم. با توجه به نکات گفته شده در سفرنامه‌ها و نگاره‌های موجود از دوره صفویه، می‌توان تشخیص داد که انواع

کفش‌های بدون ساق، در دو نوع پاشنه‌دار، بدون پاشنه، نوک تیز و در فرم کفش‌های راحتی کاربرد داشته است. البته این به معنای عدم استفاده از نیم‌چکمه، نیم چکمه بنددار یا چکمه‌های سوارکاری نیست، بلکه در برهه‌ای از تاریخ صفویه با توجه به اسناد و تصاویر موجود از این نوع کفش‌ها نیز استفاده می‌شده است. رنگ کفش‌ها متنوع بود ولیکن رنگ سبز رواج بیشتری داشت. (پورکاظمی، ۱۳۸۸، ۳۴۳۵)

جدول ۱. وجوه اشتراک و افتراق بعضی از تن پوش‌ها در سفرنامه‌ها با نگاره‌های دوره صفویه

عنوان	سفرنامه‌ها	نگاره‌ها	تصاویر در سفرنامه‌ها	تصاویر در نگاره‌ها
کلاه عرقچین مانند بانوان	کلاه شبیه عرقچین مانند یک بانوی صفویه از سفرنامه‌های تاوونیه	شباهت کلاه عرقچین مانند یک بانوی صفویه در یکی از نگاره‌ها		
کفش‌های چکمه‌ای ساق بلند	کفش‌های چکمه‌ای ساق بلند یا لبه‌ای برگردان با پنجه‌ای نوک تیز و خمیده به بالا در پای شاه عباس	چکمه‌ای ساق بلند و پاشنه‌دار معروف به چکمه‌های سوارکاری در پای شاه عباس و همراهش		
کلیچه زیر قبا	کلیچه زیر قبای یک بانوی صفویه که از سفرنامه‌ها شاردن گرفته شده	در این نگاره کلیچه زیر قبا اثر معین مصور را مشاهده می‌کنید		

ادامه جدول ۱. وجوه اشتراک و افتراق بعضی از تن پوش ها در سفرنامه ها با نگاره های دوره صفویه

عنوان	سفرنامه ها	نگاره ها	تصاویر در سفرنامه ها	تصاویر در نگاره ها
دستار، تنپوش کردی و قبا	شباهت دستارها، تن پوش کردی به همراه قبا در سفرنامه شاردن و سانسون	شباهت دستار، تن پوش کردی و همچنین قبا در بخشی از یک نگاره اثر محمد زمان با تن پوش های سفرنامه ها		
کفش های پاشنه بلند، تن پوش کردی و قبا	به شباهت تن پوش کردی، قبا و کفش های پاشنه بلند در تصاویر سفرنامه ها و نگاره	شباهت کفش های پاشنه دار در نگاره ای از محمد علی با کفش های تصاویر سفرنامه سانسون		
دستارکدویی شکل	شباهت دستار کدویی شکل، کادبی و قبا در سفرنامه ها	دستارکدویی شکل در بخشی از یک نگاره تیمور در حال تماشای مورچه		

جدول ۲. تحول تن پوش ها براساس تصاویر سفرنامه ها با نگاره های صفویه

عنوان	سفرنامه ها	نگاره ها	تصاویر در سفرنامه ها	تصاویر در نگاره ها
قبای مردان	بلند بودن قبای مردان تا ساق پا	کوتاه شدن قبای مردان و رسیدن آن تا بالای زانو		
قبای زنان	بلند بودن قبای زنان تا ساق پا	کوتاه شدن قبای زنان و رسیدن آن تا بالای زانو		
شلوار مردان	شلوارهای بلند تا نزدیکی های قوزک پا	استفاده از شلوار زیر زانویی در کنار شلوارهای متداول		
کلاه مردان	کلاه قزلباش بر سر یک سواره نظام صفویه از روی سفرنامه‌ی شاردن	فردی با کلاه فرنگی اثر رضا عباسی		

◆ نتیجه‌گیری

ایران عصر صفویه، بویژه قرن یازدهم ه.ق. شاهد حضور اروپاییان با مقاصد تجاری، سیاسی، مذهبی و گردشگری است. علت حضور آنان، رویدادهای مهمی بود که قبل از روی کار آمدن صفویان شروع و با دستیابی آنان به قدرت تکمیل شد. این ارتباطات علاوه بر پی‌آمدهای سیاسی، نتایج اجتماعی و فرهنگی بسیاری نیز داشت و مسافران اروپایی در مدت اقامت در ایران با یادداشت وقایع آن روزها در قالب سفرنامه بخشی از تاریخ مکتوب صفویه را رقم زدند.

با بررسی سفرنامه‌ها و نگاره‌ها در این مقاله می‌توان چنین ارزیابی کرد که در اکثر مواقع بین توصیفات سفرنامه‌ها در مورد تن‌پوش‌ها با نگاره‌های موجود از دوره صفویه انطباق کامل وجود دارد که نمونه‌های آن بسیار زیاد است. از جمله توصیفی که فیگوتروا در مورد تاج قزلباش در سفرنامه اش ذکر می‌کند و یا مطالبی که شاردن در مورد کادبی ارائه می‌دهد، همچنین در مورد پوشش بانوان نیز این انطباق صدق می‌کند. همانطور که متذکر شدیم این فرضیه در اکثر مواقع صحیح است، اما مواردی هم پیدا می‌شود که خلاف این را ثابت می‌کند. به عنوان مثال تاورنیه در سفرنامه خود می‌نویسد: «کفش‌های ایرانیان در دوره صفویه بند ندارد». اما با توجه به نگاره‌های موجود از این دوران به ویژه در آثار رضا عباسی، افرادی با کفش‌های بنددار به ویژه از نوع نیم چکمه را شاهد هستیم که این برخلاف ادعای تاورنیه می‌باشد. البته این را هم نباید از نظر دور داشت که شاید منظور تاورنیه از کفش‌های بدون بند، اشاره‌اش به کفش‌های راحتی دوران صفویه باشد که بدون بند بودند.

همان‌طور که اشاره شد در دوره صفویه به دلیل کثرت رفت و آمدهای سفر، سیاحان و ... به دربار صفویه و توصیفات ایشان از شرایط فرهنگی و اوضاع اجتماعی آن دوره امکان بررسی سیر تحول تن‌پوش‌ها در نگاره‌ها و توصیف سفرنامه‌ها وجود دارد. همچنین تحولاتی که در رسوم پوشاک مردم دوره صفویه از ابتدای این سلسله تا انتها را براساس اطلاعات سفرنامه‌ها و مقایسه آنها با نگاره‌ها می‌توان تعیین نمود. به عنوان مثال قزلباشان که با شیخ حیدر و به ویژه با پسر او شاه اسماعیل اول صفوی در ترویج مذهب تشیع نقش عمده‌ای داشتند و با تاج قزلباش شناخته می‌شدند، اینها در ابتدای تشکیل دولت صفویه سپاه قدرتمندی تشکیل دادند. اما شاه عباس اول به دلایل سیاسی قدرت آنها را کم کرد و در نتیجه تاج قزلباش هم اهمیت خود را از دست داد و کلاه‌های دیگری جایگزین آن

شد. تحول دیگری که رخ داد مربوط به شلوارهای مردان بود، در اوایل صفویه شلوارهای مردان از زانو به پایین تنگ بوده و بلندی آن تا قوزک پا می‌رسید ولی در زمان شاه عباس اول، طبق اشاره آنتولی شرلی، شلوار زیر زانویی اروپایی در بین مردان رواج یافت و خود شاه نیز می‌پوشید. در مورد قبای مردان و زنان نیز چنین تحولی رخ داده است. همان‌طور که می‌دانیم مردان و زنان صفویه قبای بلندی می‌پوشیدند که تا ساق پای آنها می‌رسید. اما برای نخستین بار در زمان شاه عباس اول قباهای بلند جای خود را به نیم تنه کوتاه داد، یعنی قبا به تقلید از لباس اروپاییان بسیار کوتاه تر شد و تا بالای زانو رسید. با بررسی‌های انجام شده در این مقاله، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سفرنامه‌های اروپاییان به همراه نگاره‌های دوره صفویه، اسنادی معتبر در بررسی پوشاک صفویه می‌باشند.

◆ پی‌نوشت‌ها

1. Don Garcia de Silva Figueroa: دن گارسیا دسیلوا فیگوتروا سفیر اسپانیا در زمان شاه عباس اول بود.
2. Pietro Della Valle: پیترو دلاواله یکی از مشهورترین سیاحان و جهانگردان ایتالیایی که در زمان شاه عباس اول به ایران سفر کرده است.
3. Fedot Afanas Yevic Katof: فدت آفاناس یویچ کاتف تاجر مشهور روسی که در زمان سلطنت شاه عباس اول راهی ایران شد.
4. Jean Baptist Tavernier: تاورنیه سیاح فرانسوی که بیش از نه بار ایران را دیده است و اولین سفر وی در زمان شاه صفی و سفرهای دیگرش در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان انجام گرفت.
5. Adam Olearius: آدام اولناریوس آلمانی از سوی فردریش سوم به منظور مذاکره اقتصادی با دولت صفوی درباره‌ی تجارت ابریشم به ایران آمد.
6. John Chardin: شاردن سیاح مشهور فرانسوی که در دوره شاه عباس دوم و فرزندش شاه سلیمان در ایران بوده و به زبان فارسی تسلط داشت.
7. Sanson: سانسون مبلغ مسیحی که در زمان شاه سلیمان برای ترویج دین مسیح به ایران آمد.
8. Giovanni Francesco Gemelli Careri: جملی کاری جهانگرد ایتالیایی که در زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی در ایران حضور داشت.

◆ فهرست منابع

1. آژند، یعقوب، تاریخ ایران (دوره صفویان) از مجموعه تاریخ کمبریج، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۸۸.
2. اولناریوس، آدام، سفرنامه آدام اولناریوس (اصفهان خونین شاه

انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۵.

۱۶. نقوی، منیره سادات، مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهل ستون اصفهان، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، بهار و تابستان، شماره سوم، سال دوم، ۱۳۹۱.

۱۷. نوایی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.

◆ فهرست منابع تصاویر

۱. آژند، یعقوب، نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۹.

۲. بنیاردلان، اسماعیل، سرفرستگ‌های تحول در مسیر نگارگری ایران، اداره انتشارات دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۸۷.

۳. پوپ، آرتور اپهام، سیر و صور نقاشی ایران، یعقوب آژند، نشر مولی، تهران، ۱۳۸۷.

۴. جوانی، اصغر، گردهمایی مکتب اصفهان مجموعه مقالات نگارگری، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۶.

۵. رجبی، محمدعلی، شاهکارهای نگارگری ایران. موزه هنرهای معاصر ایران، تهران، ۱۳۹۰.

۶. سودآور، ابوالعلاء، هنر دربارهای ایران، ناهید محمد شمیرانی، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۸۰.

۷. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، کامبیز عزیری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲.

۸. شریعت پناهی، سید حسام‌الدین، اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۲.

۹. کری ولس، استوارت، نقاشی ایرانی نسخه نگاره‌های عهد صفوی، احمد رضا تقاء، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۴.

۱۰. کن‌بای، شیلا، رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش، یعقوب آژند، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۴.

۱۱. کورکیان، ام، سیکر، ژ.پ، باغ‌های خیال، پرویز مرزبان، نشر و پژوهش فرزاد روز، تهران، ۱۳۷۷.

صفی، مهندس حسین کردبچه، انتشارات کتاب برای همه، تهران، ۱۳۶۹.

۳. پورکاظمی، لیلا، پای پوش ایرانیان در نگاره‌های دوران ایلخانی، تیموری و صفوی، دو فصلنامه علمی. پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، بهار و تابستان، شماره دهم، ۱۳۸۸.

۴. تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، حمید ارباب شیروانی، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۸۳.

۵. جملی‌کاری، جووانی فرانچسکو، سفرنامه کاری، عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

۶. دانش پژوه، منوچهر، بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، اصفهان، انتشارات فرهنگستان هنر و دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.

۷. دسیلو فیگوئروا، دن گارسیا، سفرنامه دن گارسیا دسیلو فیگوئروا، غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳.

۸. دل‌واله، پیترو، سفرنامه پیترو و دل‌واله، شعاع‌الدین شفا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.

۹. سانسون، پر، اس، ان، سفرنامه سانسون (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی)، محمد مهریار، انتشارات گلهاء، اصفهان، ۱۳۷۷.

۱۰. سیبیللا، شوستر والسر، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، غلانرضا وره‌رام، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴.

۱۱. شاردن، جان، سفرنامه شاردن (بخش اصفهان)، حسین عریضی، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۲.

۱۲. شاردن، شوالیه، اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس، سفرنامه شوالیه شاردن، ۱۳۷۴.

۱۳. غیبی، مهرآسا، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، انتشارات هیرمند، تهران، ۱۳۹۱.

۱۴. کاتف، فدت آفاناس یویچ، سفرنامه فدت آفاناس یویچ کاتف، محمد صادق همایونفرد، انتشارات شرکت دیا استریپ، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، تهران.

۱۵. گری، بازل، نگاهی به نگارگری در ایران، فیروز شیروانلو،